

## دستاوردهای علمی حوزه حله

زهرا طاهری پور<sup>۱</sup>

### چکیده

به گزارش منابع شهر حله به لحاظ تاریخی و تمدنی، دربخش غربی فرات (مستوفی، ۸۰) در منطقه جامعین نزدیک بابل قدیم که قدمتی چند هزار ساله داشت، بنا شد (هموی، ۹۶/۲). از این رو حله میراث بر مجده و عظمت بابل شد (خطیب، ۱۳). یاقوت ذیل واژه بابل می‌نویسد: «بابل نام ناحیه‌ای وسیع است که حله و کوفه جزئی از آن است و سحر در آیه شریفه «و ما اُنْزِلْ عَلَى الْمُلْكِيْنَ بِبَابِلْ هَارُوتْ وَ مَارُوتْ وَ مَا يَعْلَمَانَ مِنْ اَحَدٍ» (البقره، ۱۰۲) منسوب و مربوط به این سرزمین است. این منطقه قدمت تاریخی بسیار کهن دارد. نخستین بار حضرت نوح (ع) آن را آباد ساخته و پس از طوفان، در این سرزمین ساکن گشت و در پی او اخلاف وی به تدریج افزایش یافتد و بنایی در ساحل رود فرات به وجود آوردند» (هموی، ۳۱۰/۱).

بنای شهر حله در سده پنجم به دست خاندان بنی مزید رخ داد. پشتیبانی مادی و معنوی حاکمان حله در زمانی که بر افتادن حاکمیت سیاسی بویهیان و روی کار آمدن سلجوقیان موجب شده بود که شیعیان نه تنها در عرصه سیاست بلکه در حیطه اجتماع و تلاش های علمی با دشواری فراوان روپرتو شوند، فرصت مغتنمی برای علمای شیعه فراهم ساخت. حکمرانان مزیدی در کنار فعالیت های نظامی به تلاش های علمی و فرهنگی نیز عنایت و اهتمام بسیار داشتند (آل یاسین، ۲۰۰۴). اوج فعالیت های فرهنگی این خاندان در دوره حکومت سیف الدوله محقق شد. وی از موقعیت بر جسته ای که در دوران امارتش برای بنی مزید پیش آمد، در جهت شکوفایی علمی بهره جست. سیف الدوله تمام امکانات علمی و رفاهی لازم جهت رونق و توسعه علم و دانش را مهیا ساخت از آن جمله کتابخانه ای دایر کرد که حاوی هزاران جلد کتاب بود (ابن اثیر، ۱۳۸۵). افزون بر این شهر حله در منطقه ای شیعه نشین واقع شده بود که این موضوع در رشد علمی آن بسیار تأثیر گذار شد. از جمله واقع شدن حله در نزدیکی شهر نجف بود. شهر نجف پس از مهاجرت شیخ طوسی (۴۶۰-۳۸۵ ق) به آنجا در سال ۴۴۸ هـ ق و تلاش های علمی ایشان به یکی از مراکز مهم فکری جهان اسلام مبدل شد و حوزه نجف پا گرفت (گروهی از نویسندها، ۱/۱).

<sup>۱</sup>- مزیدیان شاخه‌ای از اعراب قبیله بنی اسلند که در نتیجه تحولات تاریخ اسلام در سده‌های نخستین در محلی میان هیت و کوفه استقرار یافتند و در دوران اقتدار آل بویه با حمایت و پشتیبانی حکمرانان شیعی بویهی به قدرت رسیدند (ابن جوزی، ۱۷/۲۰۷).

کلید واژه ها: حوزه علمی حله، علامه حلی، فقه، حدیث

شهر حله در سده پنجم به دست خاندان شیعی بنی مزید بنا شد و خیلی زود به یکی از پایگاه های رسمی شیعیان امامی و محل برگزاری محافل و حلقه های درسی آنان تبدیل شد. حضور بزرگانی همچون؛ این ادريس حلی، علامه حلی، محقق حلی و فخرالمحققین نام حله را پر آوازه ساخت و بسیاری از دانشیان نامدار شیعه را از سایر مناطق جهان اسلام راهی شهر حله نمود و زمینه رونق شگفت علمی این منطقه شیعه نشین را تا بالاترین مرتبه حوزه های علمیه فراهم آورد. مهیا شدن فضای بحث و کفت و گوی علمی، موجب گسترش علوم اسلامی خاصه در دانش هایی چون؛ حدیث، فقه و اصول شد و دستاوردهای مهمی همچون تالیفات حدیثی متنوع در سبک و رویکرد، احیای تفکر اجتهادی، دسته بندی احادیث به اعتبار سند و تدوین آثار رجالی، توجه به فقه مقارن و نو گرایی موضوع بندی فقهی از آثار و نتایج فعالیت های علمای نامدار شیعه از سده ششم تا نهم هجری در این حوزه می باشد.

[z.taheripor@yahoo.com](mailto:z.taheripor@yahoo.com)

استادیار دانشگاه سوره

## ۱- حدیث

در حوزه حله محدثان نامدار و تأثیرگذاری می‌زیستند. افزون بر تعداد پرشمار محدثان و محافل آموزشی و حدیثی به تعداد شایان توجهی از دانشوران حله برخورد می‌کنیم، که اگر چه عمده تخصص آنان بر داشت‌هایی چون فقه، اصول و کلام متمرکز بود، اما فعالیت‌های حدیثی چشمگیری انجام داده‌اند از این رو شهر حله مرکز نقل و حفظ احادیث اهل بیت (ع) گردید و از این حیث جایگاه والایی یافت. برخی از محدثان نامدار حله عبارت است از:

### بُهْةُ اللَّهِ بْنُ نَمَاءَ حَلَّىٰ (د. پس از ۵۷۳ ق)

از فقهاء و محدثان برجسته حله واز طرق اجازات امامیه در قرن ششم هجری است (آغازبرگ طهرانی، ۳۳۴/۲). در بسیاری از اجازات از او به «رئیس عفیف» یادشده است (نوری، ۱۹/۳). حر عاملی از او با عنوان فاضل صالح یاد کرده است. ابن نما از برخی از علمای نجف همچون حسین بن احمد بن طحال مقدادی اجازه روایت داشت (خوانساری، ۲/۱۸۰). فرزندش جعفر بن هبة الله از روایان اوست (حر عاملی، ۳۴۳). همچنان که ابن مشهدی نیز از او روایت کرده است (ابن مشهدی، ۴۳۴).

### ابن ادريس حله

اگر چه شهرت علمی ابن ادريس مرهون فعالیت‌های فقهی و نگاشته‌های او یعنی «السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی» است، لکن این نگاشته ارزش حدیثی قابل توجهی داشته؛ بیانگر اندیشه‌های حدیثی وی می‌باشد. ابن ادريس در پایان کتاب فصلی به نام زیادات آورده که به «مستطرفات السرائر» شهرت یافته است و در آن احادیث جالب توجهی از آثار متقدمان گردآوری کرده است (حر عاملی، ۲/۲۴۳) و در میان آن‌ها، احادیث نادر و منحصر به فردی نیز دیده می‌شود. ابن ادريس از بسیاری از بزرگان و مشایخ امامیه روایت کرده است. از جمله؛ عبدالله بن جعفر دوریستی (مجلسى، ۱۰۷/۸۲)، علی بن ابراهیم عریضی (بحرانی، ۲۷۷)، عربی بن مسافر عبادی (محمد بن مکی، ۲۲)، عمیدالروسا هبة الله بن حامد و پسرش حسن بن هبة الله سوراوى (حر عاملی، ۲/۸۰)، ابوالمکارم حمزه بن زهره (افندی، ۵/۳۲)، همچنین عمادالدین طبری را واسطه نقل روایت ابن ادريس، از جمله صحیفه سجادیه، از ابوعلی طوسی شمرده‌اند (همانجا) بسیاری از چهره‌های سرشناس علمی آن دوره در زمرة روایان ابن ادريس بودند

(۴۱۵). پس از رحلت ایشان ابوعلی طوسی، فرزند شیخ طوسی (د. ۵۱۰) که نزد علمای شیعه به مفید ثانی شهرت یافت (قمی، ۱۹۹/۳) در تداوم حرکت علمی این حوزه تلاش وافری نمود (عفیف عربی، ۱۹۳). فرزند ابوعلی طوسی، ابونصر محمد بن ابی علی بن ابی جعفر طوسی (د. ۵۴۰ق) نیز که پس از پدر زعامت حوزه نجف را بر عهده گرفت، مانع از ایستایی تکاپوی علمی این شهر شد (ابن عmad حبلی، ۶/۲۰۷). اما با رحلت این عالم برجسته خاندان طوسی، حوزه نجف نیز نشاط و رونق سابق خود را از دست داد و دانش آموختگان آن راهی مناطق مختلف شدند. از جمله این مناطق شهر حله بود که فعالیت‌های علمی آن هم‌زاد با بنای این شهر آغاز شده بود. نزدیکی جغرافیایی، پیشینه تاریخی و تمدنی مشترک و همچنین شرایط مساعد شهر حله (عیسی حکیم، ۵-۹)، بسیاری از دانش آموختگان حوزه نجف، همچون؛ سید عزالدین ابوالمکارم حمزه بن علی حسینی صاحب کتاب «الغنية» (د. بعد ۵۷۴ق) (خوانساری، ۲/۲۷۰)، سید جلال الدین عبدالحميد بن تقی علوی از علماء و فضلای نجف (افندی، ۳/۷۹) و حسن بن رطبه سوراوى (حر عاملی، ۲/۱۴۵) را به شهر حله کشاند. بررسی زندگینامه شماری از دانش وران حله نشان می‌دهد، شیعیان از نیمه اول سده ۶ هجری در کار تعلیم و تعلم علوم اسلامی بوده‌اند (ذهبی، ۱۴۱۳).

در دسترس بودن کتابخانه‌های بزرگ بغداد و نیز وجود نگاشته‌های کهن در زمینه دانش‌های گوناگون همچون، حدیث، فقه، کلام و نبوغ ذاتی برخی از برجستگان حله، علمای شیعه را از سایر مناطق جهان اسلام به سوی شهر حله کشاند و ضمن غنا بخشیدن به این حوزه، توسعه آن را هم تسريع نمود. بزرگانی همچون؛ ابن شهر آشوب، عمادالدین طبری، سلیدالدین حمصی از سایر مناطق جهان اسلام به حله مهاجرت کردند و به حوزه علمی حله رونق بسیار بخشیدند. بدین ترتیب حوزه علمی شیعیان در شهر حله نقش منحصر به فردی برای نگاهبانی از مکتب تشیع و دفاع از اصول آن و مرزبندی کردن میان معارف شیعی و مذاهب دیگر عهده گرفت. علمای حله با بهره مندی از فضای مناسب علمی پیش آمده به گسترش و هم افزایی علوم اسلام خاصه در دانش‌های چون فقه، حدیث، علم رجال پرداختند و نتایج مهم و اثرگذاری در این علوم به دست آوردن؛ در نوشтар پیش رو به مهم ترین دستاوردهای این حوزه علمی که حاصل تلاش‌های علمی دانشوران حله است، می‌پردازیم:

فراوان برد است که برخی از آنان عبارتند از: رضی الدین سید علی بن طاووس، (افندي، ۱۶۶/۴) سید جلال الدین علی بن عبدالحمید بن فخار موسوی (اربلى، ۹-۸) حافظ ابوالحسن محمد گنجی شافعی (افندي، ۱۶۸/۴). کتاب «کشف الغمہ فی معرفة الائمة» یکی از مهمترین و مشهورترین آثار تألیف شده در قرن هفتم هجری توسط اربلی است (مجلسي، ۲۹/۱). شیوه وی در تألیف کتاب بیشتر گردآوری آثار گذشتگان و غالباً با حذف سند بوده است.

### علی بن محمد سکونی حله (د. حدود ۶۰۶ق)

دانشمند، فقیه، نحوی، لغوی، شاعر امامی و موثق است. از مشایخ وی بهاء الشرف را می‌توان نام برد که ابن سکون بواسطه وی صحیفه کامله را روایت کرده است (مجلسي، ۱۰۷/۱۰۲) و نسخه‌ای از آن را به خط خود نوشته است (آغازبرگ طهرانی، ۱۵/۱۷). نسخه ابن سکون، مورد اعتماد و استناد دانشمندان پس از او واقع شده، همین نسخه در اختیار صاحب بحار الانوار بوده است (مجلسي، ۱۰۷/۱۶۴). شیخ بهائی راوى صحیفه سجادیه و گوینده کلمه حدثنا در ابتدای این صحیفه را ابن سکون حله دانسته است (افندي، ۲۴۱/۴؛ قمی، ۱/۳۱۴).

### هبة الله ایوب حله (د. ۶۰۹ق)

رضی الدین ابو منصور معروف به عمیدالروسا از فقهاء و محدثان نامدار است. وی هم عصر با ابن سکون حله می‌زیسته است (افندي، ۵/۳۰۸). وی از راویان معروف صحیفه کامله به شمار می‌رود (بحرانی، ۲۲). عمیدالروسا به دو طریق صحیفه کامله را روایت کرده است: اول به واسطه بهاء الشرف، که همان طریق مشهور روایت صحیفه است (قمی، ۲/۴۸۶). طریق دوم ایشان به واسطه محمد بن ابی القاسم، از ابوعلی طوسی می‌باشد (مجلسي، ۱۱/۵۷). برخی از محدثان به دلیل کثرت روایات صحیفه از عمیدالروسا احتمال داده‌اند که گوینده «حدثنا» در ابتدای سند صحیفه، عمیدالروسا باشد (افندي، ۵/۳۷۵). از عمیدالروسا، دانشمندانی چون فخارین معد موسوی، جلال الدین قاسم بن معییه و محمدبن نما، صحیفه کامله را روایات کرده‌اند (همو، ۵/۳۰۸-۳۰۹).

### فخار بن معد موسوی (د. ۶۳۰ق)

در منابع رجالی، اطلاعات خاصی در باره زندگی وی نیامده است. آنچه از شخصیت علمی وی می‌توان دریافت آن است که او بیشتر محدث بوده است و روش وی همچون حدیث گرایان

که می‌توان به این بزرگان اشاره کرد: فخارین معد موسوی (خوئی، ۱۴/۲۷۱)، جعفر بن نما (خوانساری، ۶/۲۷۷)، نجیب الدین محمد بن جعفر بن نما (افندي، ۵/۱۹۵)، ابوالحسن علی بن یحیی بن خیاط (حرعاملی، ۲/۲۱۰).

### حسین بن رده حله نیلی (د. ۶۴۴ق)

حسین بن رده نیلی ملقب به مهدیب الدین از محدثان سده هفتم هجری است. وی از شیخ نصیرالدین عبدالله بن عبدالله، محمد بن حسین بن عبد الصمد، احمد بن علی بن عبدالجبار طبرسی روایت کرده است (افندي، ۲/۹۲). سید الدین یوسف بن علی بن مظہر نیز از راویان مهدیب الدین بوده است (آغازبرگ طهرانی، ۳/۵۱).

### عربی بن مسافر حله

چهره برجسته محدثان حله در قرن ششم هجری شیخ عربی بن مسافر است که از راویان کتاب ارجمند صحیفه کامله، صحیفه سجادیه، می‌باشد (مجلسي، ۵/۱۰۷). در ابتدای این صحیفه آمده است: «حدثني السيد الأجل نجم الدين بهاء الشرف ابوالحسن محمدبن حسن بن احمد...». برخی از بزرگان گوینده لفظ «حدثنى» در صدر سند صحیفه را «شیخ عربی بن مسافر» دانسته‌اند (بحرانی، ۱۴۹/۱۲؛ خوئی، ۲۸۳). استادان و مشایخی که شیخ عربی بن مسافر از آنها حدیث نقل کرده است به این شرح است: عمادالدین طبری صاحب کتاب بشارة المصطفی (بحرانی، ۲۸۲)، شیخ حسین بن طحال (ابن طاووس، ۱/۷۷)، شیخ حسن بن جمال الدین هبة الله بن رطبه سوراوى (نوری، ۷/۳)، الیاس بن هاشم حائری (بحرانی، ۲/۱۵۱). در زمرة آنان که از عربی بن مسافر حدیث استماع کرده و از او روایت کرده‌اند، نام این کسان ثبت شده است: حسن بن سعید حله (بحرانی، ۲۸۳)، محمدبن جعفر مشهدی (ابن مشهدی، ۱۲)، ابن ادریس حله (محمدبن مکی، ۲۲۰) و حسن بن علی دربی (نوری، ۳/۵۶).

### علی بن عیسی اربلی (د. ۶۹۲ق)

ابوالحسن بهاء الدین علی بن عیسی اربلی درباره تاریخ دقیق تولد وی اطلاعی در دست نیست. اربلی بیشتر عمر خود را در مسائل دیوانی، بخصوص دیوان انشاء سپری کرد. با این حال تعلق خاطر وی به حدیث و متون حدیثی باعث شد تا در موقعی نزد برخی محدثان، به سمع آثار آن‌ها پردازد. وی در طول زندگی خویش از دانشمندان بر جسته اسلامی اعم از شیعه و سنتی بهره

می‌رود. از چهره‌های علمی حله می‌توان به سید بن طاووس اشاره کرد. وی عالم و محدثی پرتألیف بود. شمار کتاب‌ها و رساله‌های وی در زمینه‌های مختلف بیش از پنجاه عنوان است. رویکرد کلی ابن طاووس در این تالیفات کاملاً حدیثی است. و این سبب گشته است که اندیشه‌های علمی وی متمایز از دیگر دانشوران حله باشد. ابن طاووس در شمار رجال سرشناس امامیه است که به زهد و فرهیختگی شهره است؛ به گونه‌ای که منابع رجالی و حدیثی بر اتصاف وی به این ویژگی‌ها اتفاق نظر دارند. درباره او الفاظ و عبارات گوناگوئی که همگی بر فرزانگی و وارستگی او دلالت دارند بکار رفته است. وی شیخ اجازه علامه حله بود. (آغازبرگ طهرانی، ۳/۱۱۷) علامه حله، در اجازه‌ای که به بنی زهره داده و به اجازه کبیره مشهور است از اجازه احمد و علی بن طاووس به خود یاد کرده، از آن دو به عنوان «سید کبیر سعید» یاد کرده است (مجلسی، ۱۰۴/۶۳-۶۴؛ بحرانی، ۲/۱۵۰) همچنین میرزا حسین نوری از مبحث استخاره کتاب منهاج الصلاح علامه نقل کرده که ابن طاووس سید سند و عابدترین فرد دوران خود بوده است (نوری، ۲/۴۴۶). شهید ثانی نیز، در اجازه به شیخ شمس الدین ابی جعفر محمد بن نجده به اسناد اجازه مشایخ خود تعلیی بن طاووس و احمد بن طاووس اشاره کرده است (مجلسی، ۱۰۴/۱۹۶).

بن طاووس از محضر مشایخ بزرگ امامیه، بهره‌ها برده است. بزرگانی همچون؛ اسعد بن عبد القاهر اصفهانی و محمد بن جعفر بن هبة الله بن نما حدیث سمعان کرده که از این دو بخصوص در کتاب «فتح الابواب» نقل حدیث کرده است (سید بن طاووس، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۱). از ابن طاووس آثار فراوانی بر جای مانده که برای شناخت میراث کهن امامیه اهمیت فراوانی دارند. از جمله: «اقبال الاعمال» (افندی، ۱۶۲/۴)، «الامان من الاخطار» (آغازبرگ طهرانی، ۲۳/۲۸۷)، «جمال الاسوع» (نوری، ۲/۵۰۲)، «الدروع الواقعية» (امین، ۴/۸۲)، «فلاح السائل ونجاح المسائل في عمل اليوم والليلة» (بحرانی، ۲۴۰)، «ادعیه الساعات» (آغازبرگ طهرانی، ۱/۳۹۶)، «ادعیه الاسابيع» (حر عاملی، ۲/۲۰۵)، «اسرار الصلاه» (همانجا).

از دیگر بزرگان حله که فعالیت وی در حوزه حدیث قابل توجه است؛ جمال الدین احمد بن فهد حله می‌باشد که منابع از او با عنوان «نقه» یادکرده اند (حر عاملی، ۲/۲۱؛ قمی، ۱/۳۸۰). مشایخ او بیشتر از شاگردان شهید اول و فخر المحققین حله هستند. بدین ترتیب که از طریق سید بهاء الدین علی بن عبدالکریم نجفی، احمد بن عبدالله بحرانی، نظام الدین علی بن محمد نیلی (آغازبرگ طهرانی، ۳/۱۴۸)، علی بن یوسف نیلی (افندی، ۴/۲۹۴) و جلال الدین عبدالله بن

می‌ماند (حسین پوری، ۸۰) افندی و آغازبرگ براساس مطالب موجود در کتاب «الحججه على الذاهب» که مهمترین اثر موجود وی است، از استادان او سخن گفته اند. وی در این کتاب از معد بن فخار، ابن ادریس حله، عمید الروسا هبة الله بن حامد، حسن بن مُعییه علوی، شاذان بن جبرائیل بن اسماعیل قمی روایت کرده است (فخار بن معد، مقدمه). وی همچنین نزد دیگر استادان و عالمان حله از جمله؛ ابوالکارم حمزه بن زهره، یحیی بن علی بن بطريق، ابوالفضل بن حسین حله، علی بن محمد بن سکون (حسن بن سلیمان حله، ۳۰) و گروهی دیگر از علمای امامیه به فراگیری حدیث و سایر علوم پرداخت (امین، ۸/۳۹۳).

### محمد بن جهیم اسدی

شهید اول، ابن جهیم را با وصف عالم صدوق یاد کرده است (الاربعین، ۳۰). از مشایخ او سید فخار بن معد قابل ذکر است (بن طاووس، ۱۳۴). در میان راویان و شاگردان وی نیز نام کسانی چون علامه حسن بن یوسف حله (مجلسی، ۱۰۴/۶۴) تقی الدین حسن بن علی بن داود حله (حسن بن داود، ۷) و سید عبدالکریم بن طاووس (بن طاووس، ۱۳۴) به چشم می‌خورد.

### عبدالحمید بن فخار بن معد (د. پس از ۶۸۲ق)

سید جلال الدین عبدالحمید بن فخار از علمای دین و از بزرگان حدیث در قرن هفتم هجری است. تذکره نویسان او را در شمار راویان حدیث ذکر کرده اند (حر عاملی، ۱۴۵/۲). وی افزون بر بهره‌گیری از محضر پدر (بروجردی، ۱/۱۰۶)، نزد علمایی همچون؛ سید مجده الدین حلبي عویضی و یحیی بن محمد بن فرج سوراوى به داشت اندوزی پرداخت (آغازبرگ طهرانی، ۸۷). برخی از بزرگان حوزه علمی حله نظیر؛ سید الدین یوسف بن مظہر حله، پدر علامه، و سید ابوالحسن علی بن احمد اعرجی حسینی حله از او روایت کرده اند (افندی، ۳۰/۸۲). جلال الدین نگاشته‌ای داشته است که حسن بن سلیمان حله در «مختصر بصائر الدرجات» از آن نقل کرده است (حر عاملی، ۲/۱۴۵).

### ظهور محدثان بزرگ حله

در این دوران پرنشاط مکتوبات حدیثی از کثرت نسبی و تنوع در سبک و رویکرد برخوردار هستند. از زمینه‌های نگارش متون حدیثی، کتاب‌های ادعیه و زیارات است. عالمان و حدیث پژوهان آثار گرانسنجی در این زمینه پدید آورده‌اند که جزو منابع ارزشمند حدیث شیعه به شمار

معد بن فخار(بروجردی، ۱۱۲/۱). دو نگاشته گرانسنج ابن بطريق يعني «عمدة عيون صحاح الاخبار في مناقب وصي المختار» و «خصائص الوجه المبين في مناقب أمير المؤمنين (ع)» (آغا بزرگ طهراني، ۳۳۴/۱۵؛ ۳۱۸/۲۲) از مهمترین نگاشته های تاليفي در سده ششم هجرى است(رشاد: ۴۵۴/۱۳). از ویژگی های برجسته اين تاليفات که به آنها امتيازی ویژه بخشیده است، نقل احاديسي از بزرگان عامه است. ابن بطريق روایات كتاب های خود را از طریق مشایخ اجازه خود که به نویسندهان و روایان اصلی احاديث می رسد، گزارش نموده، با شیوه بدیعی عرضه کرده است؛ به گونه ای که این روش تحسین علمای بعد او را برانگیخت(ابن بطريق، مقدمه) و مناقب نویسان پس از وی از این شیوه پیروی کردند(امین، ۴۲۴/۲). دیگر آثار ابن بطريق عبارت است از: «مستدرک الوصی المختار فی مناقب وصی المختار» (آغا بزرگ طهراني، ۳۱۸/۲۲)، «الرد علی اهل النظر فی تصفیح ادلہ القضا و القدر»، «اتفاق صحاح الاثر فی امامۃ الانئمة الاثنتی عشر» (حرعاملی، ۳۴۵/۲).

در اين زمينه می توان به كتاب «منتخب یا مختصر بصنایر الدرجات» اثر حسن بن سليمان حلّی محلّث و فقيه شيعی قرن هشتم و نهم هجری اشاره کرد. اين كتاب شامل احاديسي درباره فضائل و مناقب اهل بيت (ع) است (حرعاملی، ۲۰۶/۲). حسن بن سليمان از شاگردان شهيد اول بود که به همراه پنج تن دیگر، در شعبان ۷۵۷ هـ ق از او اجازه روایت دریافت کردند (امین، ۱۰۶). شهید در اجازه خود با تعییر «الشيخ الصالح الورع الدين البطل عزالدين» از او یاد کرده است. استادان و مشایخ دیگر او؛ محمد بن ابراهيم مطر آبادي، سیدبهاء الدين نيلي و رضي الدين على بودند(همانجا). ایشان در زمرة سلسله راویان صحیفه سجادیه نیز قرار دارد (مجلسی، ۱۰۴/۱). (۲۱۳).

از دیگر محدثان امامیه در قرن هفتم، که تاليفات حدیثی - کلامی داشته است؛ جمال الدین یوسف بن حاتم بن فوز شامي مشغري است (افندی، ۱۶۶/۵). بر اساس آنچه از اسانید اجازات می توان دریافت؛ وی نزد محقق حلّی (نوری، ۵۲/۲)، نجیب الدين یحیی بن احمد حلّی و رضی الدين ابن طاووس حلّی، تلمذ داشته است (آغا بزرگ طهراني، ۱۰/۳). مهمترین نگاشته حدیثی موجود اين عالم امامی، «الدرالنظم فی مناقب الانئمه اللھامیم» نام دارد. اين كتاب از منابع

شرف شاه (امین، ۱۴۷/۳)، از فخر المحققین و از طریق فاضل مقداد(قمی، ۳۸۰/۱) و زین الدین علی بن ابی محمد بن خازن(ابن فهد حلّی، ۱۱/۱) از شهید اول روایت کرده است. ابن فهد دارای آثار ارزشمندی در زمینه دعایی و اخلاقی است که در ذیل از آنها یاد می شود: «عده الداعی و نجاح الساعی» (مجلسی، ۱۱۴/۱۰۷)، «التحصین فی صفات العارفین» (نوری، ۴۶۶/۳)، «نبذه الباغی فی مالا بد منه من آداب الداعی» (امین، ۱۴۸/۳). متون اخلاقی نیز بخش دیگری از این نگاشته ها را به خود اختصاص داده است. از جمله: «تبییه الخواطر و نزهه الناظر» (نوری، ۴۶۷/۳، امین، ۲۲۵/۳۰) معروف به مجموعه ورام در دست است. كتاب در بردارنده موضوعات اخلاقی و احاديث فراوان در آداب و خصلت های پسندیده و نکوهیده است. این نگاشته اثر ابوالحسین ورام بن ابی فراس، از محدثان بنام حلّه است. نسب وی به مالک اشتر نخعی می رسد(حرعاملی، ۳۳۸/۲). ورام بن ابی فراس جد مادری سید طاووس بوده است (امین، ۲۲۵/۳) صاحب ریاض از او با عنوان «امام کبیر و محدث معروف» یاد می کند (افندی، ۲۸۲/۵). سدیدالدین محمود حمصی استاد ورام بوده، ورام از او نقل حدیث کرده است (نوری، ۲۲/۳). محمد بن مشهدی نیز «مجموعه ورام» را بروی قرأت کرده است (ابن مشهدی، ۱۳) وشهید اول، از طریق وی از ورام بن ابی فراس روایت کرده است (خوانساری، ۸/۱۷۷). از ورام تنها كتاب «تبییه الخواطر و نزهه الناظر» (نوری، ۴۶۷/۳، امین، ۲۲۵/۳۰) معروف به مجموعه ورام در دست است. كتاب در بردارنده موضوعات اخلاقی و احاديث فراوان در آداب و خصلت های پسندیده و نکوهیده است. همچنین كتاب «التحصین فی صفات العارفین» ابن فهد حلّی در اين زمينه قابل ذكر است (نوری، ۴۶۶/۳).

رویکرد دیگر به حدیث، رویکرد کلامی است برخی از متون مهم کلامی - حدیثی به دست متکلمان حدیث پژوه همچون یحیی بن حسن بن بطريق حلّی به سامان رسید. ابن بطريق را می توان سرآمد متکلمانی دانست که در سده ششم به شیوه سنتی و روایی به موضوع امامت به ویژه امامت امام علی (ع) پرداخته است. وی کلام را نزد متکلم مشهور امامیه سدید الدین حمصی، آموخت (ابن حجر عسقلانی، ۶/۲۴۷). دو تن از استادان مشهور ابن بطريق؛ عماد الدين طبری، نویسنده بشارة المصطفی، و دیگری ابن شهر آشوب مازندرانی بوده است (ابن بطريق حلّی، مقدمه). برخی از شاگردان و روایت کنندگان از او عبارتند از: علی بن یحیی بن حسن بن بطريق(سجانی، ۷/۱۸۳)، علی بن یحیی بن علی بن خیاط (ابن بطريق حلّی، مقدمه)، فخاربن

مجلسی در تالیف بحارالانوار بوده است (مجلسی، ۲۱) همچنین «الاربعین عن الأربعين»<sup>۳</sup> دیگر نگاشته حدیثی یوسف بن حاتم است (آغاپرگ طهرانی، ۴۳۱/۱).

جريان حدیثی شهر حله در قالب نگارش کتاب‌های گوناگون نه تنها میراث حدیثی گذشتگان را حفظ نمود بلکه آن را در حجمی بسیار گسترده به روزگار ما انتقال داد. با وجود آن که بسیاری از نگاشته‌های دانشوران حله در گذر زمان از دست رفته است اما همچنان روایت‌های زیادی از تالیفات کهن شیعی به دست ما رسیده است. این ویژگی را می‌توان یکی از برجسته‌ترین خدمات مکتب حله به حدیث شیعی دانست. محدثان حله نه تنها سبب حفظ میراث حدیثی شیعه شدند، بلکه تقویت این میراث و افزودن مصادر دیگر را می‌توان از برکات آن دانست.

## ۲- احیای تفکر اجتهادی

تدريس فقه از برنامه‌های اصلی حوزه علمی حله بود. در این حوزه افزون بر فراوانی فقه پژوهان برجسته شاهد آغاز مرحله جدیدی از پویایی و بالندگی دانش فقه هستیم. پیش از حوزه علمی حله حدود یک سده اندیشه‌ها و تفکرات شیخ طوسی بر مجتمع علمی سایه افکنده بود. وی که از چهره‌های برجسته تاریخ علمی امامیه است، با تلاش‌های گسترده علمی خود موفق شده بود به شایستگی اجتهاد را بر عرصه فقه کشانده آن را کمال بخشد و در باب فقه و اصول کتاب‌های کامل و ارزشمندی از خود به جای گذارد (سبحانی، ۱۳۸۷). توان و استواری علمی شیخ طوسی که از نگاشته‌های وی به خوبی آشکار است، سبب شد تا شهید اول از او با عنوان «امام اعظم» یاد کند (مجلسی، ۱۰۴/۱۸۹). عظمت علمی شیخ موجب شد تا پس از رحلت ایشان، هر گونه اظهار نظر در قبال فتاوی او نوعی جسارت و گستاخی به شخصیت شیخ تلقی گردد (صدر، ۶۶). از این رو هیچ گونه انتقاد، مخالفت و ردی بر آرای شیخ صورت نمی‌گرفت. هم از این رو آراء و نظریات شیخ تا مدت‌ها در مجتمع علمی بدون معارض و نقد ناپذیر رواج یافت و پیروانش در صدد خردگیری و نقد و بررسی نظریاتش بر نیامدنده و همه فقهاء تنها ناقل گفته‌های او بودند (شهید ثانی، ۹۳؛ ابن شهید ثانی، ۱۷۶). این امر موجب شد تا جو سکون و ایستایی بر فقه شیعه حاکم گردد (بحرانی، ۲۷۶) و تا دهه‌های پایانی سده ششم ادامه یابد. در این زمان ظهور چهره سرشناس

<sup>۳</sup>- از این نگاشته باعنوان «رساله الأربعين حدیثا عن الأربعين رجال فی فضائل اميرالمؤمنین» نیز یاد شده است (آغاپرگ طهرانی، ۱۱/۵۳).

علمی حله یعنی ابن ادریس حله<sup>۱</sup> (۵۴۳-۵۹۸ق) که دارای نیروی قوی استباط و اندیشه عمیق فقهی بود، به تقلید از آراء و افکار گذشتگان خرد گرفت و باب نقد آرای شیخ طوسی را گشود (بحرانی، ۵/۳۰). ابن ادریس بر استقلال فکری فقیه سخت پاییند بود و به مقابله با رکود و جمود فقه و توقف روحیه اجتهاد و استباط برخاست و با سعی و کوشش فراوان جو غالب را در هم شکست و باب جدیدی را در مسیر تفکر امامیه باز کرد که مهم‌ترین شاخصه آن استدلال در مسائل فقهی بود. این اقدام ابن ادریس به حرکت اجتهادی شیعه جانی دوباره بخشید. وی با تألیف کتاب «السرائر» به نقد و بررسی آرای فقهی و اصولی شیخ طوسی پرداخته و با ذکر ادله و مستندات برخی از آن‌ها را پذیرفته و شماری دیگر را نیز رد می‌کند؛ به طوری که می‌توان «سرائر» را کتابی در نقد آثار شیخ به شمار آورد (مهدوی راد، تطور فقه شیعه و جایگاه سرائر در آن، آینه پژوهش، آذر و دی، شماره ۴، ص ۲۳). تألیف این کتاب بیانگر پیشرفت علم فقه و اصول تا مرحله مناقشه جویی و نقادی در آرای شیخ بود (صدر، ۷۵).

اقدام علمی ابن ادریس از آن جا شایسته تقدیر است که وی در حوزه ای وارد شد که کمتر شخصی شجاعت و توانمندی حضور در آن را داشت. ابن ادریس با بیان آراء و نظرات خود یک باز دیگر باب اجتهاد را گشود. وی در دیباچه کتاب سرائر تاکید کرد که اجتهادات و اندیشه‌ها قابل خدشه و انتقاد است (ابن ادریس حله<sup>۲</sup>، ۱/۴۱)، این اقدام ابن ادریس خدمت بزرگی به نظام فکری شیعه قلمداد می‌شود. به گفته بحرانی: «اگر ابن ادریس با نقد و بررسی آراء شیخ، سنت تقلید از نظرات شیخ را در هم نمی‌شکست، هیچ کس جسارت چنین کاری را نداشت» (لولوالحرین، ۲۷۶) آرای فقهی ابن ادریس در منابع فقهی بعدی نیز مورد توجه قرار گرفت. اگرچه برخی از فقهاء با استناد به عباراتی از سرائر نظرات وی را برتناfte، به شدت به مخالفت با ابن ادریس پرداختند که از جمله این بزرگان می‌توان از محقق حله و علامه حله نام برد که به کرات به نقد و طعن ابن ادریس پرداخته‌اند (همانجا). به نوشته خوانساری علامه حله از ابن ادریس با عنوانی طعنه آمیز «الشاب المترف» یاد کرده است (خوانساری، ۶/۲۷۷). ابن داود نیز وی را در زمرة ضعفا آورده است (رجال ابن داود، ۲۶۹).

باری ابن ادریس آغازگر مرحله ای جدید در تاریخ فکری شیعه بود و آن گذر از دوره تقلید از شیخ طوسی و ورود آن به دوره نقد اندیشه‌های شیخ و اجتهاد علمی مستقل بود که یکی از کارکردهای مثبت حوزه علمی حله به شمار می‌رود.

طبقه‌بندی حدیث شد؛ تا آن جا که جایگاه ویژه و منحصر به فردی در علم حدیث شیعه برای خود به دست آورد. وی اصطلاحات جدیدی برای روایات ابداع کرد و روش او در طبقه‌بندی احادیث، در فقه امامی بسیار مورد استفاده قرار گرفت ( سبحانی، ۱۸۲). ابن طاووس روایات شیعه امامی را بر اساس بررسی اسناد در چهار گروه اصلی؛ صحیح، حسن، موثق و ضعیف دسته بندی کرد (صدر، ۵۶). تلاش‌های علمی این دانشور حلّی در علم حدیث به مطالعات حدیثی شیعی مسیر جدیدی داد وزیربنا و انگیزه‌های لازم برای گرایش روشنفکرانه جدید در شیعه امامی را فراهم آورد (اسماء افسر الدین، نگاهی به روش حدیثی جمال الدین احمد بن طاووس، مترجم حمید باقری، آینه پژوهش، بهمن و اسفند، شماره ۱۲۶). این تغییر مبنای راعلامه حلّی تحکیم کرد و در استدلال‌های خود به کار گرفت (علامه حلّی، ۴۴۳-۴۳۵؛ همو، ۱۰-۹). پس از او تا زمان معاصر این روش با ملاحظات تکمیلی و اصلاحی مورد توجه و استناد فقهاء بوده است.

از دیگر دستاوردها و ویژگی‌های حوزه علمی حله، تلاش دانشوران آن در تکمیل و تهدیب دانش رجال است که حاصل آن نگاشته‌های گران سنگ و ارزشمند در این دانش است.

می‌دانیم که هدف اولیه کتاب‌هایی که در پنج سده نخست به نگارش درآمده و ما اکنون، آن‌ها را به عنوان کتاب‌های رجالی می‌شناسیم، معمولاً توثیق یا تضعیف راویان نبوده است. نگاشته‌های رجالی همچون؛ رجال برقی، رجال طوسی، در درجه اول با هدف معرفی اصحاب امامان (ع) و کتاب‌هایی همچون؛ الفهرست شیخ طوسی و رجال النجاشی، اولاً و بذات با هدف شناساندن نگاشته‌ها و نگارندهای شیعی در سه چهار سده نخست هجری نوشته شده، همچنان که از تصريح نویسندهای آن‌ها در دیباچه این کتاب‌ها پیدا است (شیخ طوسی، رجال، ۱۷؛ همو، الفهرست، ۳۱-۳۲؛ نجاشی، ۳).

با ظهور چهره‌های برجسته‌ای نظری؛ احمد بن طاووس، حسن بن داود و علامه حلّی که بیشتر فعالیت‌های علمی خود را بر نگارش فقه و اصول متمرکز ساخته بودند، علم رجال نیز که در اجتهاد و استنباط و شناخت دقیق احادیث جایگاه سرنوشت سازی داشت، با تحولات اساسی مواجه شد (السعادی، نشاه علم الرجال، الفکر الاسلامی، دی ماه، شماره ۲۶) و گونه‌ای خاص از نگاشته‌های رجالی پایه‌گذاری شد. این تحول با ظهور احمد بن طاووس حلّی آغاز گردید (حسن بن زین الدین، ۱۴/۱). به گفته میرزا نوری احمد بن طاووس اولین کسی بود که به بررسی، ارزیابی، نقد و جمع بندی دیدگاه رجالیان شیعه تا سده پنجم پرداخت (خاتمه مستدرک الوسائل، ۴۳۷/۲) و روشن‌ترین دلیل این سخن تصريح خود سید بر این مطلب است (حسن بن

### ۳- دسته بندی احادیث به اعتبار سند و تدوین آثار رجالی

علم حدیث و رجال نیز در حوزه علمی حله وارد مرحله جدیدی شد. همان‌گونه که می‌دانیم معنا و مفهوم اصطلاح «حدیث صحیح» نزد علمای گذشته و علمای متأخر متفاوت بوده است. قدمای معنای لغوی این واژه را در نظر داشتند، یعنی سالم از عیب، لذا در هر موردی که صدور حدیثی را از جانب مقصوم (ع) خالی از عیب می‌دیدند به آن صحیح می‌گفتند ( سبحانی، ۱۸۲). این اطمینان به صدور ممکن بود از طریق اعتماد سند به وجود آمده باشد و یا دیگر قراین<sup>۴</sup> سبب حصول اطمینان شده باشد. اما با دور شدن از عصر حضور ائمه شیعیان با مشکلات بسیاری مواجهه شدند. روی کار آمدن حاکمان جور عرصه را بر آنان تنگ کرده به گونه‌ای که بسیاری از عالمان و اندیشمندان شیعی به مناطق دوردست مهاجرت کردند. کتابخانه‌های ارزشمند شیعیان نیز در بسیاری از مناطق به آتش کشیده شد. مجموع این عوامل موجب ناکارآمدی روش‌ها و قرائتی شد که محدثان متقدم در گذشته برای تشخیص روایات درست از نادرست به کار می‌گرفتند.

شيخ بهائی در خصوص این تغییر شرایط و در نتیجه تغییر اصطلاح چنین می‌گوید: «علتی که علمای متأخر را بر آن داشت تا از استعمال قدماًی این واژه دست برداشته، به قرار دادن اصطلاحی جدید دست بزنند، فاصله زمانی ای بود که بین ایشان و بین علمای پیشین، قدماء، رخ داد. این فرقه، و در کتابش، تسلط حاکمان ظالم و گمراه و ترس از اظهار نگاشته‌های حدیثی، برخی از کتب اصول مورد اعتماد را به سوی از بین رفتن سوق می‌داد. از دیگر سوی تأليف جوامع حدیثی که با جمع آوری روایات از اصول مشهور و اصول غیر مشهور، منابع عظیم روایی را فراهم آورده بود، سبب از بین رفتن قراین اطمینان به صدور روایات شد. چرا که در منابع حدیثی تازه پدیدار شده، تمیزی بین روایات تأیید شده به قراین و بین دیگر روایات داده نشده بود. از این رو، نیاز به قانونی که احادیث معتبر را از غیر معتبر مشخص نماید، پدیدار شد و وضع اصطلاح جدید برای روایات صحیح را ضروری نمود، اصطلاحی که روایات صحیح و حسن و موثق را برایمان معرفی نماید» (بصری، ۴).

شرایط جدید سبب شد تا احمد بن طاووس، طرح تقسیم‌بندی احادیث از نظر سند را ارائه نماید (حسن بن زین الدین، ۱۴/۱). بدین ترتیب وی عهددار توسعه قابل توجهی در نقد و

<sup>۴</sup>- نشانه‌ها و قرائتی چون عرضه کتاب بر امام (ع)، گواهی آن از سوی حضرت، بودن روایت در جوامع ثلاشه، یادآوری روایت در چند اصل و... (بصری، ۵).

از دیگر چهره‌های برجسته حله محقق حله و علامه حله است. محقق حله به عنوان پیشوای حرکت تجدید در شیوه مباحث فقهی و اصولی در حوزه علمی حله شمرده می‌شود (عظیمی، ۲۰۶). محقق فقه شیخ طائفه را به درستی تهذیب کرد و آراء و نظرات وی را در مسائل مختلف از کتاب‌های متعدد او گرد آورد و مرتب نمود و به شکلی پخته و منسجم و اصولی، مدون ساخت و اعتبار آن را که با انتقادات ابن ادریس خدشه دار شده بود، بدان بازگرداند (مدرسی طباطبائی، ۵۲). محقق با انتقادات مطرح شده به سختی مقابله کرد و از روش و مکتب فقهی شیخ طائفه در برابر آن دفاع نمود و با تدوین مجموعه‌های فقهی - استدلالی غنی هم چون «شرایع الاسلام» و «المعتبر» فقه شیعه را از غنای بیشتری برخوردار ساخت. وی در کتاب‌های خود مسائل فقهی شیعه را همراه با استدلال‌های متقن و نظرهای دانشمندان و فقیهان مشهور، در عباراتی رسا و شیوا از ابتدای انتها در چهار بخش گرد آورد و نظمی خاص به پیکره فقه پخته است. چنان که علامه شوشتري درباره محقق می‌گوید: «محقق اولین فقيهي است که کتب فقهی را به ترتیبی که محققین تدوین کرده‌اند، به نگارش در آورد. ایشان در شرایع خود تبیجه و اصل مطالب «نهایه» شیخ را و آن چه در «مبسوط» و «خلاف» شیخ و کتاب‌های پیش از آن و کتاب‌هایی که بر سبک نهایه نوشته شده مثل «سرائر» ابن ادریس و آن چه بر سبک «مبسوط» و «خلاف» نوشته شده مثل «مهذب» قاضی، همه را به گونه‌ای زیبا جمع نمود. وی دارای تألیفات گرانبهایی است» (شوشتري، ۲/۶۱۶). باری بخش در خور توجهی از نوآوری‌ها و دستاوردهای حله، حاصل کوشش‌های پیگیرانه و دقیق‌های ژرف محقق حله بود که پس از او به دست مؤثرترین و مشهورترین عالم حوزه علمی حله، جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر معروف به علامه حله، تداوم یافت. علامه در چارچوب فقه شیخ و ترتیب محقق کوشش پیگیری برای بسط و تعمیق فقه مبدول داشت (جناتی، سیری در ادوار فقه، کیهان اندیشه، ۱۳۶/۲، ص ۲۵) و تألیفات فراوانی در فقه تطبیقی و تفریعی و تبعی و تحقیقی به جای گذارد که همه پس از او مرجع فقها و مأخذ اصیل و معتبر فقه شیعی بوده و هست. نقش مهم علامه در فقه را می‌توان در دو چیز دانست: یکی بسط و توسعه بی‌نظیر بخش معاملات بر اساس استفاده از قواعد مشهور که بیشتر از فقه اهل سنت گرفته شده و علامه به خاطر آشنایی کامل با مبانی فقهی آنان توانست، گسترش بی‌سابقه‌ای به مباحث تفریعی، شقوق و فروع فقه شیعی در آن ابواب دهد. دیگر آن که او به دلیل آشنایی با ریاضیات و حساب، در مباحث مربوط فقه از قواعد ریاضی بهره فراوان برد و نخستین فقیه مشهور شیعی بود که ریاضیات را به طور گسترده در خدمت فقه آورد (مدرسی طباطبائی، ۵۳). همچنین علامه با تهذیب اصول فقه از راه

زمین الدین، ۵). پس از احمد بن طاووس، دو شاگرد برجسته او یعنی حسن بن داود و علامه حله نگارش کتاب‌های رجالی را بر پایه حرج و تعديل راویان ادامه دادند ( سبحانی، ۱۹۸). بدین ترتیب راویان از جهت وثاقت و عدم وثاقت، امامی بودن و عامی بودن، ستایش و نکوهش و دیگر حالات و صفات راویان آن‌ها در بخش‌های ممدوحین و مذمومین، صحاح و ضعاف قرار گرفتند تا بتوان به جایگاه راوی دسترسی پیدا کرده و آسانتر به بازشناسی راویان و ارزشیابی احادیث آنان پرداخت (علی نژادجویاری، آشنایی با رجال شیعه، شیعه‌شناسی، سال ۸، شماره ۱۶).

#### ۴- دگرگونی و تحول چشمگیر در فقه

علم فقه از زمان پیدایش دوره‌ها و ادوار مختلفی را طی کرده و در طی گذر از این مراحل تکامل یافته است. یکی از مهم‌ترین دوره‌های تکامل و پیشرفت این علم در حوزه علمی حله انجام پذیرفت. محیط علمی و فرهنگی شهر حله زمینه‌ای شد تا شخصیت‌های فرهنگی و فقهی برجسته در آن رشد کنند که از نبوغ فکری و مواهب علمی زیادی نیز برخوردار بودند؛ به همین جهت تأثیر عظیمی بر دگرگونی و تحول اسلوب‌های فقه و اصول امامیه و نوگرایی در نظام علمی اجتهداد و تنظیم ابواب فقه داشتند.

از جمله شخصیت‌های علمی و فقهی حله، ابن ادریس حله بود که پیش از این از او یاد کردیم. وی با طرح آراء و نظریات خود نام حله را پراوازه ساخت و نقش مهمی در تجدید حرکت حیات فقهی شیعی ایفا نمود و در این عرصه گام‌های بلندی برداشت. افروز بر این ابن ادریس نخستین فقیهی است که به عقل به عنوان یکی از منابع فقه شیعی جایگاه مستقلی می‌دهد. هر چند پیدایش استدلال به عقل پیش از ابن ادریس توسط ابن عقیل عمانی (زنده ۳۲۹ق) و ابن جنید (۳۸۱ق) انجام شده بود ولی وی استدلال به آن را به طور صریح و وسیع بکار گرفت. حال آن که در کتاب‌های قبل از او به این وسعت به چشم نمی‌خورد. ابن ادریس می‌نویسد: «حق جز از چهار راه به دست نمی‌آید؛ یا از راه کتاب خدا یا سنت رسول و امامان، یا اجماع یا دلیل عقل که اگر سه منبع نخستین نبودند، در مسائل شرعی فقط باید به دلیل عقل کمک گرفت...» (السرائر، ۱/۴۶). بدین ترتیب ابن ادریس کوشیده است تا جنبه‌های اجتهدادی مکتب بغداد را احیا کرده (مهدوی راد، تطور فقه شیعه و جایگاه سرائر در آن، آینه پژوهش، آذر و دی، شماره ۴، ص ۲۱) و راه را برای گسترش فقه اجتهدادی همواره سازد.

## ۶- نوگرایی موضوع بندی فقهی

عدم نظم و انسجام موضوعی مناسب در کتاب «المبسوط» شیخ طوسی، محقق حله را به اندیشه تقسیم بندی دقیق مباحثات فقهی رهنمون شد. او مباحث فقه را در تقسیم اولیه در چهار مقوله اصلی؛ عبادات، عقود، ایقاعات و احکام جای داد. مقوله نخست شامل همه مسائلی می‌شود که در انجام دادن آن‌ها باید قصد قربت باشد ولی در سه مقوله دیگر چنین شرطی نیست. عقود و ایقاعات از احکام به این اعتبار جدا می‌شوند که در احکام نیازی به لفظ نیست. آن دو نیز از این حیث با یکدیگر تفاوت دارند که یا در انجام گرفتن آن‌ها یک لفظ از یک نفر کافی است و این ایقاعات است همانند عتق، و یا باید دو نفر لفظ را بگویند و این، عقود است مانند بیع و نکاح (محقق حله، ۱۴). محقق حله با این سبک خاص کتاب معروف خود یعنی «شرایع الاسلام» که از مهم‌ترین کتب شیعی است به رشتہ تحریر درآورد. این نگاشته از زمان تألیف آن تاکنون همواره مورد توجه محققان و دانش پژوهان بوده است (آغازبرگ طهرانی، ۱۳۴۷). شروح بسیاری که بر این اثر نوشته شده است حاکی از جایگاه بلند آن در میان فقهاء امامیه است (همو، ۱۶/۳۱۶-۳۳۲).

فعالیت‌های علمی حوزه علمی حوزه حله همزمان با بنای آن به دست خاندان شیعی بنی مزید آغاز شد. این خاندان که با حمایت آل بویه به قدرت رسیده بودند، در فعالیت‌های فکری و فرهنگی نیز آنان را الگوی خویش قرار داده، حمایت‌های بی دریغ خود را متوجه عالمان واندیشمندان شیعی نمودند. درهای گشوده دارالعلم حله، محفل‌ها و انجمن‌های پژوهنی علم و ادب، دانشوران و دانش پژوهان بسیاری را به سوی حله کشاند. تلاش‌های علمی این حوزه در سده هفتم هجری که بسیاری از مراکز و مدارس علمی به دست قوم ویرانگر مغول چهار نیستی و نابودی شده بودند، با تدبیر علمای حله، آرامش وامنیت متعاقب آن، با شتاب و عمق بیشتری پی گرفته شد؛ به گونه‌ای که یکی از چشمگیرترین دوره فعالیت حوزه حله مربوط به سده هفتم و هشتم هجری است. در این دوره حله به عنوان یکی از کانون‌های مهم علمی شیعی جای خویش را در میان محافل فرهنگی گشود. در چنین شرایطی علماء و دانشیان امامیه اقدامات متنوعی در جهت گسترش اندیشه شیعی و شناساندن معارف امامیه انجام دادند.

کتاب‌های متعددی که در این فن نوشته<sup>۱</sup> کمک بسیاری به تدقیق مبانی و قواعد فقهی کرد و راه را برای استقلال کامل فقه و اصول شیعی هموار ساخت.

باری فقه شیخ الطائفه که در میانه قرن پنجم خود را به عنوان مکتب پیروز و غالب بر جامعه علمی شیعه قبول‌نده بود، در نیمه دوم قرن هفتم و آغاز قرن هشتم با تهدیب و تدقیق محقق و کوشش و تبسیط علامه به حد کمال خود رسید و بهترین صورت آن در آثار این دو دانشمند تجلی کرد. شاگردان و پیروان آن دو نیز در همین چهارچوب تکامل یافته فقهی عمل کردند. بزرگانی چون؛ ابومحمد حسن بن ابی طالب یوسفی آبی؛ نگارنده کشف رموز، عمید الدین عبدالملک بن محمد حسینی اعرجی و فخر المحققین.

## ۵- توجه به فقه مقارن

دانشمندان شیعه در اثر دور شدن از عصر معمصومان (ع) و اختلافاتی که در سند و دلالت روایات با آن برخورد می‌کردند و مسائل مستحدثی که احیاناً پیدا می‌شد به اختلافاتی در زمینه مسائل فقهی مبتلا می‌شدند که به تدریج گسترش می‌یافت. علامه حله اولین فقهی بود که خلافیات بین فقهاء شیعه را جمع آوری و با تألف «مختلف الشیعه» در این موضوع فتح باب کرد و فقه تطبیقی مذهب امامیه را بنیاد نهاد (طباطبائی، ۱/۵۶). این تألف گام سودمندی در جهت تسهیل نقادی آراء فقهاء امامیه بود. وی همه آراء مشهور را در یک جا گرد آورده و خود نیز درباره آن‌ها بررسی انتقادی کرده است. این نگاشته از همان ابتدا مورد توجه علمای شیعه قرار گرفت و شروح متعددی که بر آن نگاشته شده است از اقبال جامعه علمی شیعه به این کتاب حکایت می‌کند (علامه حله، ۱۶۱/۱-۱۶۲). علامه همچنین مجموعه‌های فقهی مشتمل بر فقه مقارن بین مذاهب اسلامی را بسط و توسعه داد (عظمی، ۲۰۰) و در همین راستا «تذکره الفقهاء» را جهت بررسی آراء مذاهب مختلف اسلامی همراه با نقد آراء و استدلال بر درستی فتاوی امامیه به رشتہ تحریر درآورد (علامه حله، ۳۲)، که از جهت گستردگی و مقارنه میان آراء و نظرات مختلف بی نظیر است (جناتی، سیری در ادوار فقه، کیهان اندیشه، ۱۳۶۴، شماره ۲).

۱- از تألفات علامه در موضوع اصول می‌توان به این نگاشته‌ها اشاره کرد: «مبادی الوصول الى علم الاصول» (مدرس، ۴/۱۷۵)، «تهدیب الوصول الى علم الاصول» (حرعاملی، ۲/۸۳)، «نهاية الوصول الى علم الاصول» (افندی، ۱/۳۶۸)، «شرح غایه الوصول فى الاصول» (خوانساری، ۲/۲۷۲).

## نتایج مقاله

الشیعه» در بررسی اختلافات فتوایی فقهای امامیه هم کار شیخ طوسی را به کمال رساند و هم فقه تطبیقی مذهب امامیه را بنیان گذارد.

علمای حله با بهره گرفتن از شرایط مناسب پیش آمده، در همه حوزه‌های علمی به پژوهش، تحقیق و تدریس پرداختند و به دانش‌های چون؛ فقه، حدیث عنايت ویژه نشان دادند. دانش حدیث در حوزه علمی حله همچون سایر حوزه‌های شیعی مورد توجه بود. جریان حدیثی شهر حله در قالب تدوین نگاشته‌های گوناگون در حوزه‌های مختلف ضمن حفظ میراث حدیثی گذشتگان آن را در حجمی بسیار گسترده به روزگار ما انتقال داد. از زمینه‌های پر تالیف در عرصه حدیث، متون ادعیه و مزارات بود. سید بن طاووس و ابن فهد حله نگاشته‌های مربوط به ادعیه و زیارات را رونقی بسزا بخشیدند. از ویژگی‌های جریان تدوین حدیث در حوزه علمی حله خاصه در سده ششم و هفتم نگارش آثاری در فضایل ومناقب اهل بیت است. ابن بطريق حله با نگارش «خصائص الوحى المبين فى مناقب اميرالمؤمنين» و «عمدة عيون صحاح الاخبار فى مناقب وصى المختار» این حرکت را آغاز کرد.

به همت بزرگانی چون احمد بن طاووس مهمترین رخداد حدیثی یعنی طرح تقسیم بندی احادیث از نظر سند در این حوزه رخ داد اما این علامه حله بود که این نوآوری را در کتاب‌های فقهی خود به کار برد؛ نهادینه ساخت. همچنین احمد بن طاووس اولین کسی بود که به بررسی، ارزیابی، نقد و جمع بندی دیدگاه رجاليان شیعه پرداخت. پس از احمد بن طاووس دو شاگرد او یعنی حسن بن داود و علامه حله نگارش کتاب‌های رجالی را بر پایه جرح و تعدیل راویان ادامه دادند.

تدریس فقه هم از برنامه‌های اصلی حوزه علمی حله بود. در این حوزه افزون بر فراوانی فقه پژوهان برجسته امامیه شاهد آغاز مرحله جدید از پویایی و بالندگی دانش فقه هستیم. طلایه دار این دوره ابن ادریس حله فقیه صاحب اندیشه بود که با آراء و نظریات جدید به دوران رکود و تقلید خاتمه داد و تحول اساسی در فقه شیعه بوجود آورد. وی با تالیف کتاب «السرائر» طرحی دیگر در فقه امامیه را دنبال کرد و با دفاع از محوریت و اعتبار عقل، جنبه اجتهادی حوزه بغداد را احیا کرد. محقق حله دیگر دانشور نامدار حله بود. مهمترین اثر وی «شرایع الاسلام» نام دارد که از لحاظ ترتیب ابواب و مباحث فقهی و جامعیت آن برای تمامی فروع، از جمله بهترین متون فقهی به شمار می‌رود.

علامه حله نیز با پیروی از روش فقهی اسلام خود فقه تعریعی را با توجه به موضوع بندی محقق حله و با بهره گیری از تسلط خود بر قواعد فقهی کمال بخشدید. او با نگارش «مختلف

## کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، بیروت: دار بیروت، ۱۳۸۵ش.
- ۳- ابن جوزی، عبدالرحمن، المتنظر فی تاریخ الام و الملوك، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء، بیروت: دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
- ۴- ابن بطريق حله، یحیی بن حسن، عمدة عيون صحاح الخبری مناقب الامام الابرار، تحقیق مالک محمودی، ابراهیم بهادری، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- ۵- آغا بزرگ طهرانی، محمد محسن، الذریعه، بیروت: دار الضواب، بی تا.
- ۶- همو، طبقات اعلام الشیعه، تحقیق علی نقی مزروی، قم: مؤسسه اسماعیلیان، بی تا.
- ۷- آل یاسین، محمد مفید، متابعات تاریخی لحرکه الفکر فی الحلة، بغداد: المکتبه العصریه، ۲۰۰۴م.
- ۸- آن ابی جمهور، محمد بن زن الدین، عوالی اللالی فی الاحادیث الدینیة، تحقیق مجتبی عراقی، قم: سید الشهداء، ۱۴۰۳ق.
- ۹- آن ادريس حله، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ۱۰- آن ابی زین الدین، حسن، معالم الدین و ملاذ المجتهدين، قم: دفتر دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
- ۱۱- آن العمامد، عبد الحجی بن احمد حبلی شهاب الدین، شذرات الذهب فی اخبار من الذهب، حقیقہ محمود الارناوط، دمشق: دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ق.
- ۱۲- آن مشهدی، محمد، المزار، تحقیق جواد القیومی، طهران: مؤسسه آفاق، ۱۴۱۹ق.
- ۱۳- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمہ فی معرفة الانم، قم: شریف رضی، بی تا.
- ۱۴- افندی الاصبهانی، میرزا عبدالله، ریاض العلما و حیاض الفضلاء، تحقیق سید احمد حسینی، بی جا، بی نا/۳۱۴۰۳ق.
- ۱۵- افسر الدین، اسماء، نکاهی به روشن حدیثی جمال الدین احمد بن طاووس، شماره ۲۲، (ترجمه احمد باقری)، آیه پژوهش، قم: ۱۳۸۹ش.
- ۱۶- امین عاملی، محسن، ایوان الشیعه، بیروت: دار التعارف للطبعات، بی تا.
- ۱۷- امین، حسن، دائرة المعرفة الاسلامية الشیعه، لبنان، دارالتعارف للطبعات، بی تا.
- ۱۸- بحرانی، یوسف، الحدائق الناظرہ فی احکام العترة الطاهرہ، قم: مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.
- ۱۹- همو، لولو البحرين، قم: مؤسسه آل البيت، بی تا.
- ۲۰- بروجردی، علی، طرائف المقال، تحقیق سید مهدی رجائی، بی جا، بی نا/۱۴۱۰ق.
- ۲۱- بصیری، احمد بن عبد الرضا، فائق المقال فی الحديث والرجال، تحقیق غلام حسین قیصری، قم: دار الحديث، ۱۴۲۲ق.
- ۲۲- جنتی، محمد ابراهیم، سیری در ادوار فقه شماره ۲، کیهان اندیشه، قم: ۱۳۶۴ش.
- ۲۳- حر عاملی، محمد بن حسن، امل الامل، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ش.
- ۲۴- حسین پوری، امین، اندیشه شناسی محدث حله، قم: مؤسسه علمی و فرهنگی دار الحديث، ۱۳۹۲ش.
- ۲۵- حلی، حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، نجف: منشورات مطبعة الحیدریه، ۱۳۷۰ش.
- ۲۶- حلی، این داود، رجال این داود، تحقیق سید محمد صادق آل بحرالعلوم، نجف: منشورات مطبعة الحیدریه، ۱۳۹۲ش.
- ۲۷- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال فی معرفة الرجال، تحقیق شیخ جواد قیومی، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۷ق.
- ۲۸- همو، تذکرۃ الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
- ۲۹- همو، متهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مؤسسه طبع و نشر آستان قدس رضوی، ۱۴۱۲ق.
- ۱- خموی، یاقوت بن عبدالله، معجم الادباء، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
- ۲- خطیب، صباح محمد محمد، مدینه الحلة الکبری، بغداد: مکتبه المنار، ۱۹۷۴م.
- ۳- خونی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الروا، قم: منشورات آیه الله خونی، ۱۴۰۳ق.
- ۴- رشداد، علی اکبر، دانشنامه امام علی (ع)، تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ش.
- ۵- ساعدی، حسین، شاهزاده علم الرجال و تطزروره، الفکر الاسلامی، شماره بیست و شش، ۱۳۷۹ش.
- ۶- سبحانی، محمدقراقر بن زین العابدین، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، طهران: الحیدریه، ۱۳۹۰ش.
- ۷- همو، معجم طبقات المتكلمين، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۴ق.
- ۸- همو، تاریخ فقه و فقهاء امامیه، ترجمه: حسن جلالی، تهران: داشتگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷ش.
- ۹- سبحانی، محمد تقی، شهیدین در کشاکش دو جریان کلامی مدرسه حله، شماره ۵۶، مجله تقدیم و نظر، قم: ۱۳۸۸ش.
- ۱۰- شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد جعیی عاملی، الرعایه فی علم الدرایه، تحقیق عبد الحسین محمد بن علی بقال، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.
- ۱۱- شوشتیری، محمد تقی، قاموس الرجال، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.
- ۱۲- صدر، محمد باقر، المعالم الجدیده للاصول، تهران: مکتبه التجاھ، ۱۳۹۵ش.
- ۱۳- صدر، سید حسن، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، عراق: مرکز نشر و الطباعة العراقيه، بی تا.
- ۱۴- طباطبائی، علی، ریاض المسائل، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق.
- ۱۵- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، رجال طوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق.
- ۱۶- همو، (۱۴۱۷)، الفهرست، تحقیق مؤسسه شر فقاہت، قم: المطبعه مؤسسه نشر الشیعه، ۱۴۱۷ق.
- ۱۷- عظیمی، حبیب الله، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: اساطیر، ۱۳۸۵ش.
- ۱۸- عفیف عربی، یونس، تطور الفکر الامامی خلال العصر السلجوقی، نجف: مکتبه الحیدریه، ۲۰۱۱م.
- ۱۹- علی نژاد جوپیاری، ابotalib، آشنایی بر رجال شیعه، شماره ۱۶، مجله شیعه شناسی، ۱۳۸۵ش.
- ۲۰- عیسی حکیم، حسن، مدرسه الحلة العلمیه، قم: منشورات المکتبه الحیدریه، ۲۰۰۶م.
- ۲۱- فخارین معبد موسوی، الحججه علی الذاهبان علی تکفیر ای طالب، بیروت: دارالزهراء، ۱۴۰۸ق.
- ۲۲- قمی، عباس، الکنی و القاب، کتابخانه کترونیکی مدرسه فقاہت، بی تا.
- ۲۳- گروهی از نویسندها، التجف الاشرف، اسهامات فی الحضارة الاسلامیه، لندن: بوک اکسترا، ۲۰۰۰م.
- ۲۴- محقق حله، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحال و الحرام، تحقیق: عبدالحسین محمد علی بقال، بی جا: اسماعیلیان، بی تا.
- ۲۵- محمد بن مکی (شهید اول)، الاربعون حدیثا، قم: مؤسسه الامام المهدي (ع)، ۱۴۰۷ق.
- ۲۶- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تحقیق سیدابراهیم میانچی، محمدقراقر بهبودی، بی جا، بی تا/۳۱۴۰۳ق.
- ۲۷- مدرس طباطبائی، حسین، نقابت سادات و برنامه کارتیب، شماره ۱۰، ۱۲، نشریه آینده، تهران، ۱۳۵۸ش.
- ۲۸- مدرس، محمدعلی، ریحانه الادب فی تراجم المعرفون بالکنیه او اللقب، تبریز: شفق، بی تا.
- ۲۹- مستوفی قروینی، حمدللہ بن ابی بکر، نزهه القلوب، قزوین: حدیث امروز، ۱۳۸۱ش.
- ۳۰- مهدوی راد، محمدعلی، تطور فقه شیعه و جایگاه سرائر در آن، آیه پژوهش، شماره چهار، قم: ۱۳۶۹ش.
- ۳۱- نجاشی، احمدبن عباس اسدی کوفی، رجال نجاشی، تحقیق موسی شیری زنجانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق.
- ۳۲- نوری طبری، حسین، خاتمه مستدرک الوسائل، تحقیق مؤسسه آل البيت (ع) لاجیاء التراث، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاجیاء التراث، ۱۴۱۵ق.